حادثه‌ها

نجات ۱۵ خانوار گرفتار کولاک

● رئیس جمعیت هلال‌احمر شهرستان کردکوی از نجات ۱۵ خانوار گرفتار در کولاک جاده درازنو خبر داد.

حسین باقری در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به بارش‌های پراکنده و سخت‌شدن تردد در جاده‌های منطقه، اظهار کرد: ساعت ۹:۱۵ صبح دیروز گزارشی از فرمانداری شهرستان کردکوی به مرکز کنترل و هماهنگی عملیات جمعیت هلال‌احمر استان گلستان (EOC) واصل شد که در دستور کار واحدهای عملیاتی قرار گرفت.

او با بیان اینکه براساس این گزارش ۱۵ خانواده در جاده‌های برفی روستاهای کوهستانی حاجی‌آباد بالا و پایین گرفتار کولاک شده بودند، افزود: بلافاصله یک تیم امدادی به همراه چهار نیروی امدادگر تخصصی به محل حادثه اعزام شدند.

رئیس جمعیت هلال‌احمر شهرستان کردکوی با تأکید بر اینکه در این حادثه ۶۰ نفر در قالب ۱۵ خانوار در کولاک برف گیر افتاده بودند، اضافه کرد: علاوه بر رهاسازی و استقرار ایمن به این عزیزان ۱۵ بسته غذایی ۷۲ساعته، ۶۰ قرص نان و سه عدد والر اهدا شد.

قتل هولناک ۲ جوان

● قاتل فراری که دو جوان را کشته بود، پس از دو ماه در عملیات ضربتی پلیس دستگیر شد.

سرهنگ محمود حسین‌زاده، فرمانده انتظامی شهرستان محمودآباد، گفت: در پی قتل دو جوان کرمانشاهی در روز سوم آذرماه امسال به دست سرنشینان یک خودروی سواری، موضوع در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. متهمان پس از اقدام به این جنایت از محل متواری شدند که در این راستا مأموران اداره مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی شهرستان اقدامات اطلاعاتی را برای شناسایی و دستگیری عاملان قتل آغاز کردند.

به گفته سرهنگ حسین‌زاده تیمی متشکل از کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان محمودآباد با هدایت عملیات پلیس آگاهی استان کرمانشاه، پس از دو ماه کار اطلاعاتی و تحقیقات میدانی محل اختفای عامل اصلی قتل را شناسایی کردند. با هماهنگی قضائی، متهم که در یکی از شهرستان‌های هم‌جوار مخفی شده بود، در عملیات ضربتی پلیس آگاهی دستگیر شد.

به گفته فرمانده انتظامی محمودآباد متهم در بازجویی‌های اولیه به قتل اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده به مرجع قضائی معرفی شد.

رانش زمین در اکوادور ۲۴ قربانی گرفت

● در پی وقوع رانش زمین در پایتخت اکوادور دست‌کم ۲۴ نفر کشته شدند. مقامات شهر کیتو اعلام کردند: بارش باران موجب سست‌شدن خاک دامنه کوه و رانش زمین شد که در پی آن تعدادی ساختمان و یک زمین ورزشی در گل‌ولای فرو رفتند.

مقامات محلی همچنین اعلام کردند: ۳۲ نفر نیز در این حادثه مصدوم، هشت ساختمان مسکونی تخریب و به تعدادی ساختمان دیگر خسارت وارد شده است. نیروهای امداد و مردم بومی در تلاش برای نجات حادثه‌دیدگان از میان فاجعه‌ای هستند که به دلیل ۲۴ ساعت بارش باران رخ داده است.

ادعاهای مردی که همسرش را شکنجه کرد

شرق: دومین جلسه محاکمه مردی که همسرش را زنده‌زنده مثله کرده و باعث نقص عضو شدید در او شده است، برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در جلسه اول رسیدگی به این پرونده کیفرخواست علیه متهم خوانده شد و براساس کیفرخواست صادرشده متهم که محسن نام دارد یک سال قبل در نارمک همسرش اشرف حسینی را با قمه تکه‌تکه کرد اما این زن به‌طرز معجزه‌آسایی از مرگ نجات پیدا کرد. دو دست این زن به‌شدت آسیب دیده بود اما با پیوند توسط پزشکان یکی از دست‌ها دوباره به بدن وصل شد.

متهم دو فرزند دوقلو دارد و از قبل از به‌دنیاآمدن فرزندانش با همسرش دچار اختلاف بود. او مدتی قبل از حادثه همسرش را زده و جمجمه‌اش را شکافته بود اما با قید وثیقه از زندان آزاد شد، دوباره سراغ همسرش رفت و او را از ناحیه سر و صورت و دو دست و پایین‌تنه مجروح کرد. دو دست و یک چشم و سر و صورت زن به‌شدت آسیب دید و سه ماه در کما بود اما در نهایت نجات پیدا کرد.

اشرف در جلسه دادگاه علیه متهم شکایت کرد و خواستار مجازات او شد و گفت: این مرد با بچه‌هایم بدرفتاری می‌کرد و می‌گفت که این بچه‌ها مخصوصا دخترم از او نیست. مدام بچه‌ها را برای اذیت‌کردن من کتک می‌زد، حتی یک بار بینی دخترم را شکست. او به‌شدت پسرم را کتک می‌زد و من را هم اذیت می‌کرد. من در این مدت درسم را در دانشگاه در رشته حقوق تمام کردم و کارمند یک نهاد رسمی شدم که همسرم بیشتر از این موضوع ناراحت بود. او شیشه می‌کشید و

به‌همین‌خاطر این کارها را می‌کرد. من برای این مرد درخواست اشد مجازات دارم.

در جلسه دوم که روز گذشته برگزار شد، متهم در جایگاه قرار گرفت و تفهیم اتهام شد. هیئت قضات اتهامات محسن را برشمردند و گفتند شما متهم به توهین به مقدسات، جرح عمدی منجر به قطع عضو و شروع به قتل هستید، از خودتان دفاع کنید. متهم گفت: من قبول ندارم. من فرزندانم را با اهل بیت آشنا کرده‌ام و آنها را به هیئت می‌بردم، چطور ممکن است به مقدسات توهین کرده باشم. من فرزندانم را دوست داشتم و از وقتی دوقلوها به دنیا آمدند تا ۱۵سالگی آنها همسرم سر کار نمی‌رفت و من خرجی خانه را می‌دادم، من عاشق بچه‌هایم بودم و همیشه کار می‌کردم تا لباس‌های شیک و شبیه به هم برای بچه‌ها بگیرم چون دوقلو بودند. حتی پسرم می‌خواست مهاجرت کند، من خانه‌ام را به نام پسرم زدم تا بتواند به آلمان برود، چون برای مهاجرت به سند نیاز داشت. من اجازه ندادم خانواده‌ام سختی بکشند.

وی گفت: من یک بار همسرم را زدم و این را قبول دارم، چون همسرم دیر به خانه آمد و من گلدان به سمتش پرت کردم؛ اما پسرم من را به بهانه اعتیاد به کمپ ترک اعتیاد برد و مرا آنجا زندانی کردند و من خیلی سختی کشیدم. آن موقع بود که فهمیدم خانواده‌ام با من بد هستند و قصد جانم را کرده‌اند، به همین خاطر هم با دو پتو از خانه آمدم بیرون و همه‌چیز را برای خانواده‌ام گذاشتم. بعد عکس زن و بچه‌ام را در سایت‌ها با حالت بدی دیدم، چند شب نخوابیدم و مصرفم به‌خاطر فیلم‌هایی که از زنم دیدم بالا رفته بود، عصبانی بودم، قمه را برداشتم و به سمت خانه رفتم و زنم را زدم.

متهم درباره اینکه آیا مستندی برای حرف‌هایش دارد گفت: من هیچ‌چیز ندارم. هیچ سندی را نگه نمی‌داشتم. زن و بچه‌ام آن‌قدر من را اذیت کردند که مدعی شدم اینها بچه‌های من نیستند. البته من اشتباه کردم باید می‌گذاشتم خدا تقاص بگیرد.

وی درباره اینکه چرا شکایت نکرد گفت: من به پلیس فتا شکایت کردم، اما گفتند مسئله خانوادگی است و ما وارد نمی‌شویم.

در ادامه وکلای متهم صحبت کردند و با پایان وقت قضات ادامه رسیدگی را به بعد موکول کردند.

حکم قصاص برای جنایت اشتباهی

شرق: پسری که مدعی است در حالت مستی دست به قتل زده، بعد از محاکمه در دادگاه به قصاص محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، متهم مدعی است مقتول را با فردی دیگر اشتباه گرفته و چون مست بوده، متوجه نشده چه عملی مرتکب می‌شود.

یک سال قبل جسم نیمه‌جان و خونین جوانی به نام آریا به بیمارستان منتقل شد. زمانی که پلیس به بیمارستان رسید، مشخص شد آریا جان باخته است. این در حالی بود که گزارش یک درگیری نیز به مأموران داده شد. پلیس در محل درگیری حاضر شد و متهم را بازداشت کرد. مرد جوان به نزاع با آریا اعتراف کرد و مدعی شد مقتول قبلا او را تهدید کرده بود و از ترس دست به قتل زده است؛ اما در تحقیقات بعدی مشخص شد مقتول و متهم به قتل اصلا همدیگر را نمی‌شناختند و متهم اشتباه کرده است.

مأموران دوست مقتول را که در محل حاضر بود، مورد بازجویی قرار دادند. او گفت: من و دوستم آریا در ماشین نشسته بودیم که یکباره مرد جوانی به سمت ما آمد و آریا را صدا کرد. وقتی آریا پیاده شد، او با چاقو حمله کرد و آریا را زد. من متوجه نشدم چرا درگیری بین آنها اتفاق افتاد؛ اما بعد دیدم مرد جوان فرار کرد و آریا هم پشت او رفت. من به کمک دوستم رفتم که یکباره مرد جوان با قمه ضربه دیگری به او زد و جمجمه‌اش را شکافت، بلافاصله آریا را به بیمارستان رساندیم؛ اما دوام نیاورد و در بیمارستان فوت کرد.

بعد از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در جلسه رسیدگی ابتدا کیفرخواست علیه متهم خوانده شد و سپس مادر مقتول به‌عنوان تنها ولی دم در جایگاه حاضر و خواستار صدور حکم قصاص شد.

وقتی نوبت به متهم رسید، او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: چند روز قبل از این حادثه، یک درگیری در محل زندگی من رخ داد و من برای اینکه میانجیگری کنم وارد آن درگیری شدم؛ اما هر دو طرف دعوا به من اعتراض کردند و گفتند به تو ربطی ندارد و این دعوا بین ماست و خودمان هم حلش می‌کنیم.

متهم در ادامه اظهاراتش گفت: از آن روز به بعد با خودم چاقو حمل می‌کردم تا اگر یک وقتی خواستند من را بزنند، بتوانم از خودم دفاع کنم. تا اینکه شب حادثه فرارسید. من رفتم بیرون که زباله‌ها را دم در بگذارم، دیدم دو جوان در ماشین هستند و من را نگاه می‌کنند. یکی از آنها پیاده شد. من برای اینکه غافلگیر نشوم، پیش‌دستی کردم. جلو رفتم و گفتم چرا اینجا ایستاده‌ای، تو آمده‌ای من را بزنی. پسر ناشناس گفت نه من برای این کار نیامده‌ام. دستش را گرفتم و با چاقو یک ضربه به او زدم که دستش زخمی و کاپشنش پاره شد. بعد دوستش به سمت من آمد و اعتراض کرد. گفتم دوستت قبلا تهدیدم کرده و گفته مرا می‌کشد، ولی هیچ‌کدام از پسرها به من نگفتند اشتباه می‌کنم و آنها من را قبلا تهدید نکرده‌اند. چون دو نفر بودند، ترسیدم و فرار کردم. همین که داشتم وارد خانه می‌شدم، یکباره آریا پایش را لای در گذاشت و وارد شد. من هم خیلی ترسیدم و با قمه یک ضربه دیگر به او زدم. غرق در خون شد. من خیلی ترسیده بودم و ماتم برده بود.

با پایان گفته‌های متهم، قضات شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند و متهم را با توجه به مدارک موجود در پرونده و همچنین اظهارات خود او به قصاص محکوم کردند. متهم در مدت ۲۰ روز می‌تواند به رأی صادره اعتراض کند.

نگاه

طعم تلخ بی‌تفاوتی

سردار علیرضا لطفی . رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ

ماجرای فوت دو نفر از هم‌وطنان بر اثر پرتاب سنگ در روزهای اخیر احساسات پایتخت‌نشینان را جریحه‌دار کرد و زخمی عمیق بر روان شهروندان باقی گذاشت؛ اتفاقی تلخ که بی‌شک تا سال‌ها خاطره‌اش از ذهن و قلب‌مان پاک نخواهد شد. این اتفاق ذهن‌ها را متوجه فردی بیمار کرد که با رفتار آسیب‌زننده‌اش، نظم اجتماع را بر هم ریخته و احساس امنیت در خیابان‌ها را کم‌رنگ کرده بود.

تا قبل از این اتفاقات، کسی از وجود این فرد بیمار اطلاع نداشت و به‌محض وقوع جنایت کلیه نیروهای پلیس پایتخت به‌منظور شناسایی و دستگیری‌اش بسیج شدند و ظرف مدت کوتاهی وی را دستگیر کردند.

اولین پرسشی که با شنیدن این اخبار در ذهن مخاطب نقش می‌بندد، این است که آیا راهی وجود نداشت که قبل از وقوع این اتفاقات تلخ این فرد شناسایی و تحت درمان و کنترل قرار می‌گرفت؟ بدون شک راهی ساده برای پیشگیری و مقابله به‌موقع با جرائم وجود دارد.

اکثر متخصصان حوزه روان‌شناسی و روان‌پزشکی بر سر این موضوع متفق‌القول هستند که رفتارهای آسیب‌زننده متهم پرونده قتل میدان ۹ دی‌ماه اتفاقی ناگهانی و یک‌شبه نبوده و بی‌شک بارها از سوی متهم در گذشته تکرار شده است؛ اما اکثر افراد حاضر در صحنه، تنها نظاره‌گر رفتار این شخص بوده و چون آسیبی متوجه خودشان نشده نیازی حس نکرده‌اند تا از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ که به صورت شبانه‌روزی پل ارتباطی شهروندان با پلیس است، پلیس پایتخت را در جریان وجود این فرد بیمار قرار دهند. باور اشتباه بسیاری از افراد این است که تنها وقتی خود درگیر اتفاقی جنایی شدند باید با پلیس تماس بگیرند.

تصورش را بکنید اگر شهروندان نسبت به اتفاقات و حوادث اطراف خود بی‌تفاوت نبوده و با مشاهده آسیب‌ها و جرائم، معتادان متجاهر، تجمع اراذل و اوباش، فروش اموال مسروقه و پاتوق‌های سارقان و مال‌خرها در محلات، توزیع مواد مخدر، افراد عقب‌مانده ذهنی و بیماران روانی رهاشده در خیابان، به صورت شبانه‌روزی اخبار آسیب‌ها و جرائم را از کانال مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ در اختیار پلیس‌های تخصصی قرار دهند، روند مقابله با جرائم شتابی بی‌سابقه خواهد گرفت و اشراف اطلاعاتی پلیس بر جامعه مجرمان را چند برابر خواهد کرد. یک همکاری مسئولانه می‌توانست موجب شناسایی و دستگیری به‌موقع بیمار روانی شود که با سنگ‌پرانی سلامت شهروندان را به خطر می‌انداخت؛ اما تا وقتی اقدامات او به یک جنایت هولناک منجر نشد، کسی احساس نکرد باید با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس بگیرد و پلیس را در جریان اقدامات خطرآفرین این بیمار برای رهگذران قرار دهد.

یک تماس ساده شما با پلیس ۱۱۰ و گزارش یک عمل مجرمانه، حتی اگر مستقیما ارتباطی با زندگی شخصی شما نداشته باشد، می‌تواند سرنخ حل پرونده‌ای جنائی باشد. یک تماس به‌موقع از سوی شما می‌تواند فاصله بین ارتکاب جرم از سوی مجرمان و دستگیری آنها به دست پلیس را کوتاه کرده و از بروز زنجیره‌ای از جرائم و استمرار اقدامات مجرمانه آنان در جامعه پیشگیری کند.

از سوی دیگر، احساس تعهد در قبال درمان و نظارت بر زندگی افراد دچار اختلالات روانی از سوی خانواده‌ها به جای طرد آنها، یکی دیگر از اقدامات پیشگیرانه است که از بروز انواع جرائم در جامعه جلوگیری می‌کند.

شما شهروندان مسئول، چشمان بیدار پلیس در محلات هستید که با انعکاس به‌موقع اقدامات مجرمانه و آسیب‌های اجتماعی از شدت این آسیب‌ها کاسته و به پلیس در مسیر مقابله با مجرمان توان و انرژی مضاعف می‌بخشید و با همکاری خبری و مشارکت در اصلاح شرایط موجود در جامعه، حس امنیت و آرامش را در فضای زندگی همشهریان و هم‌وطنان‌تان جاری خواهید کرد؛ پس با مشاهده هر ناهنجاری و قانون‌شکنی با پلیس تماس گرفته و یاریگر پلیس آگاهی در مقابله با آسیب‌ها و جرائم باشید.

ادامه از صفحه ۹

اعتراض از نوع جعفری دولت‌آبادی

حواشی دوره دادستانی یا عملکرد فعلی که دستگاه قضائی را به چالش کشیده است؟ فکر می‌کند افکار عمومی در صورت برخورد با او، انگشت را به مسافرکشی او نشانه خواهند رفت، اما خطاب مردم به آقای دولت‌آبادی این خواهد بود: برادر، ۱۰ سال دادستان عمومی و انقلاب تهران با صلاحیت مضاعف آن بودی، چه کسی از شما راضی بود؟ به درددل کدام متهم، کدام فعال سیاسی، کدام روزنامه‌نگار توجه کردی؟ حصار ۱۰ساله‌ای که در دادستانی تهران هر روز اطراف شما بلند و بلندتر می‌شد، چرا از نظر شما آن‌قدر کوتاه به نظر می‌رسد که طلبکارانه در سطح شهر لابد ستمی را که بر شما در دستگاه قضائی رفته است، این‌گونه فریاد می‌زنید؟ اگر بگویم شما از نظر اقتصادی نیاز به این کار بعد از بازنشستگی دارید، حداقل با توجه به مبالغ دریافتی شما پذیرفتنی نیست؛ همکاران شما در دادگستری چه در کادر قضائی و چه اداری از شما کمتر حقوق دریافت می‌کنند و حالا که به صورت مدنی دست به اعتراض زده‌اند، از ناحیه مسئولان بالادستی مورد عتاب و خطاب قرار می‌گیرند و تهدید به برخورد می‌شوند، پس حرکت شما حداقل به خاطر وضع مالی‌تان نیست که گفته شود مگر مسافرکشی عیب است؛ هرچند شما حداقل به قوانین مربوط به حمل‌ونقل و مسافرکشی درون‌شهری اشراف دارید و باید مسافرکشی در قالب‌های شناخته‌شده مانند تاکسی، رانندگی اسنپ و... صورت گیرد؛ هرچند بسیاری از افراد در مسیر حرکت خود مسافر جابه‌جا می‌کنند و درآمد کمی می‌شود برای تأمین مخارج سرسام‌آور زندگی آنان. از این بگذریم. شما می‌توانید از مرکز مشاوران که آمادگی صدور پروانه وکالت برای قضات شاغل را هم دارد! پروانه بگیرید؛ حتما درآمدتان از میزان دریافتی رانندگی بیشتر خواهد بود. با توجه به معروفیت و شناخت و سابقه‌ای که در ایام خدمت قضائی در کشور داشته‌اید، آنچه از حرکت نمادین شما استنباط می‌شود، اعتراض به نحوه برخورد مسئولان قضائی با شما بعد از خروج از دادستانی و احیانا نحوه بازنشستگی است. جناب دولت‌آبادی، شما که الحمدلله از پایان‌نامه دکترای خود هم دفاع کرده‌اید و به افتخار دکتری هم نائل آمده‌اید و از شما نقل شد که روز دفاع از پایان‌نامه دکتری را زیباترین روز زندگی خود می‌دانید. آقای دولت‌آبادی روش اعتراضی‌ای که در پیش گرفته‌اید، خودتان تأیید می‌کنید؟ قاضی دادگستری، رئیس کل دادگستری استان خوزستان، دادستان دادسرای عمومی و انقلاب تهرانِ مرکز کشور، قاضی دادگاه عالی انتظامی قضات و... آن‌قدر کم‌حوصله است که بعد از بازنشستگی علیه مجموعه‌ای که نام و نان و اعتبارش از آن است، شوریده و با این ادبیات معترضانه افکار عمومی را به قضاوت گرفته است. نه استاد، نه آقای دکتر، نه آقای دادستان، نه آقای رئیس کل، اگر هرکس بخواهد به شیوه دلخواه خود اعتراضش را در سطح جامعه جار بزند، فکر نمی‌کنید خلاف نظم عمومی عمل کرده است؟ اگر مسافری عصبانی، خدای ناکرده، با ادبیاتی غیر از ادبیات مؤدبانه مسافران واقعی با شما مواجهه شد، از چه نیرو و مقاماتی کمک می‌گیرید؟ به رفتارتان با زندانیان دگراندیش و گفته‌هایی که از شما در مقام دادستانی نقل می‌کنند، کاری ندارم؛ حرمت امام‌زاده‌ای را که زمانی متولی آن بودید، نگه دارید؛ این امام‌زاده با متولی‌گری شما در گذشته، به هر حال یکی از سه قوه سیاسی کشور است؛ هرچند پرسنل آن ناراضی، مردم ناراضی، انبوه پرونده‌ها حکایتگر متأسفم بگویم ناکارآمدی آن است که از مدیریت طولانی‌مدت امثال شما برای دست‌اندرکاران امروزی آن باقی مانده است. هستند دیگرانی که از نحوه برخورد امثال شما در این دستگاه، دلخورند، اما دعوای خانگی را به کوچه و بازار نمی‌برند. دخل تاکسی‌تان پرپیمان و ان‌شاءالله پیغام شما را کسانی که باید شنیده باشند، بشنوند.

جدول ۴۱۵۵ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- به‌درستی که- زمان‌بندی سوپاپ‌های موتور را کنترل می‌کند ۲- از درختان گرمسیری تناور- رود قابل کشتیرانی هامبورگ- ستایش‌شده ۳- خودروی فرانسوی- موفق- بدون آستر ۴- ظاهرسازی‌کردن- ماه تابستانی- سوسن زرد ۵- فیلسوف دیالکتیک- مجموعه‌داستانی نوشته جلال آل‌احمد ۶- بله آلمانی- تمام‌کردن- اعلان ۷- چاره‌اندیش- زلزله دریایی- ساعت دست ۸- بندری در بلغارستان- سنگین‌ترین حیوان- زاده شیر و ببر ۹- نمو- موفق در انجام کاری- زبان کوچک ۱۰- میوه ترش‌شده و فاسد- بندری در اوکراین- نت ششم ۱۱- از لوازم ورزش کوهنوردی- واحد شمارش هواپیما ۱۲- نشانه جمع مؤنث عربی- مرطوب- زمین پست اشباع‌شده از رطوبت ۱۳- زندان مسعود سعد سلمان- اجداد- مکافات عمل ۱۴- سنگ آذرین قیمتی- مقابل- ارزن ۱۵- فیلمی مشهور ساخته تارانتینو- گلی درشت و معطر

عمودی:

۱- نویسنده مشهور ژاپنی و خالق رمان کافکا در کرانه ۲- پایه و اساس- هم‌نام- هم‌سالان ۳- فیلم کوتاه تبلیغی- پاره‌خط جهت‌دار- لقب امام دهم ۴- دل‌آزار کهنه- هم‌زمان- پایتخت گامبیا ۵- گروه محافظ مقام‌های بلندپایه- بنای دیدنی استان کرمان- نشانه صفت تفضیلی ۶- سقز- حرکت باد ۷- کامل و تمام- هر که خواهد جور هندوستان باید کشد- پیدا نمی‌شود ۸- تندرست- انکارکننده- گیاهی معطر از خانواده شاهدانه ۹- جنگجو- رشته‌هایی از پوست یا ساقه گیاه- برای بیان آرزو به کار می‌رود ۱۰- رسوا و بی‌آبرو- زیبا و جذاب ۱۱- زمینه- میوه شمال ایران- ثروتمند ۱۲- شهری در استان خوزستان- خیانت در آن روا نیست- تکرار حرفی ۱۳- وسیله حمل بار که به پشت خودرو بسته می‌شود- پست الکترونیک- غمخوار ۱۴- زاده‌شده- متراکم و فشرده- نیلگون ۱۵- بعد از قتل قائم‌مقام فراهانی به عنوان صدراعظم برگزیده شد.

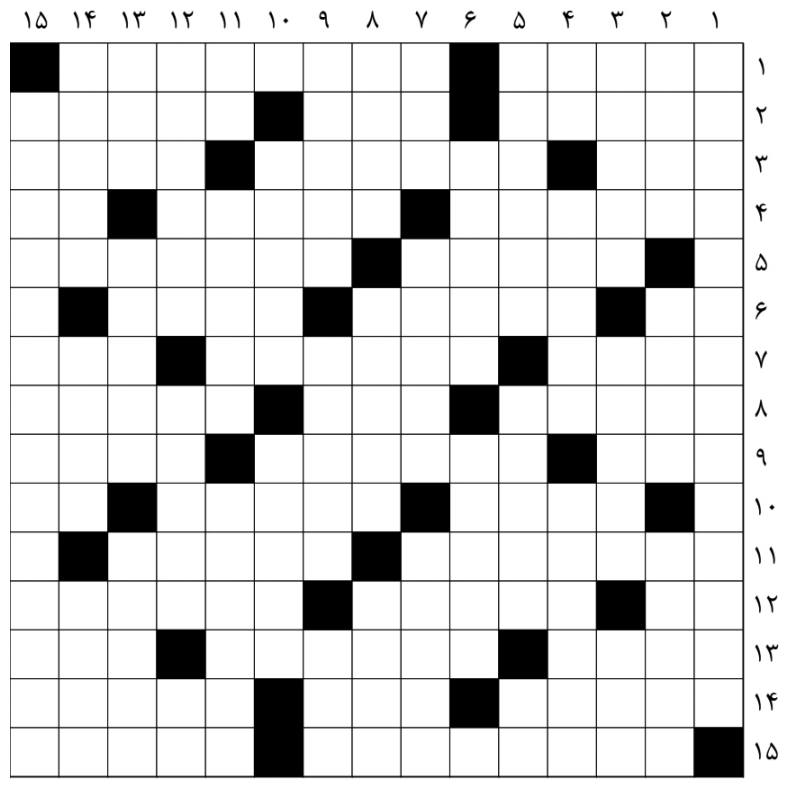

حل سودوکو سخت

۹	۱	۲	۷	۵	۸	۴	۳	۶
۷	۵	۸	۴	۶	۳	۹	۲	۱
۴	۶	۳	۲	۹	۱	۷	۵	۸
۱	۷	۵	۸	۳	۶	۲	۴	۹
۶	۲	۹	۱	۷	۴	۳	۸	۵
۸	۳	۴	۵	۲	۹	۶	۱	۷
۳	۸	۱	۶	۴	۷	۵	۹	۲
۲	۴	۶	۹	۱	۵	۸	۷	۳
۵	۹	۷	۳	۸	۲	۱	۶	۴

حل سودوکو ۳۱۵۰

۷	۵	۶	۳	۴	۱	۲	۸	۹
۱	۴	۳	۹	۸	۲	۶	۷	۵
۲	۸	۹	۶	۷	۵	۴	۱	۳
۴	۶	۱	۷	۵	۹	۸	۳	۲
۵	۳	۲	۸	۱	۶	۹	۴	۷
۸	۹	۷	۲	۳	۴	۱	۵	۶
۶	۷	۵	۱	۹	۸	۳	۲	۴
۳	۲	۸	۴	۶	۷	۵	۹	۱
۹	۱	۴	۵	۲	۳	۷	۶	۸

جدول ۴۱۵۴

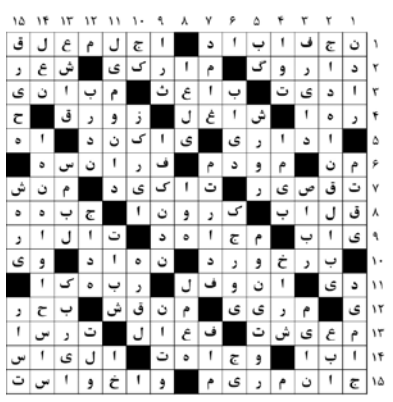

سودوکو سخت ۳۱۵۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۴							۳
۹			۷		۴	۶	۸	
	۷	۱	۶					
		۸	۹					۴
			۱	۷	۵			
۲					۶	۳		
					۱	۲	۵	
	۶	۴	۲		۷			۸
۱							۳	

سودوکو ساده ۳۱۵۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۶	۲		۹			۴	
		۸			۷	۲		۵
	۵			۲	۶		۹	۳
۱						۹		
				۳				
		۹						۴
۶	۸		۹	۱			۵	
۲		۵	۷			۶		
	۱			۵		۳	۲	